



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۲، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۸۸-۲۶۰

تحلیل نقش حق زنان به شهر بر مبنای جدایی‌گزینی جنسیتی (مورد مطالعه: پارک بانوان شهر اردبیل)

مریم جامی اودولو^۱، محمدحسن یزدانی^{۲*}، اکبر اصغری زمانی^۳

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل ایران. yazdani@uma.ac.ir

۳- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

چکیده

حق به شهر به عنوان شکل جدیدی از شهروندی تعریف می‌شود تا همه شهروندان بتوانند بر تولید فضای شهری کنترل و مشارکت داشته باشند. زنان به عنوان نیمی از جامعه، امکان بهره‌مندی برابر از فضاهای شهری را نسبت به مردان ندارند. در این راستا، اگرچه ممکن است فضا به اشتراک گذاشته شود و جنسیت‌ها در آن سهیم شوند، ولی این مسئله بسته به مکان‌ها و زمان‌های مختلف متفاوت خواهد بود و در نتیجه فضاهای جنسیتی شکل می‌گیرند. با توجه به اهمیت مساله، هدف مقاله حاضر شناسایی الگوی حضور در فضای زنانه بر حق به شهر با رویکرد جدایی‌گزینی جنسیتی است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است جامعه آماری تحقیق را زنان شهر اردبیل تشکیل می‌دهند که از میان آنها به تعداد ۳۸۴ پرسشنامه با استفاده از فرمول کوکران به صورت تصادفی ساده توزیع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از آزمون‌های t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی در نرم افزار Spss استفاده شده است. براساس یافته‌های پژوهش، جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای زنانه از سوی زنان در سطحی نامطلوب ارزیابی شده و در کل میزان جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای زنانه از مجموع شاخص‌های مورد بررسی کمتر از میانه (میانه نظری = ۳) است. نتایج حاصل از آزمون فریدمن نیز دلالت بر تاثیرگذاری بیشتر معیار اجتماعی و فرهنگی بر جدایی‌گزینی جنسیتی می‌باشد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل تاثیر حضور در فضای زنانه بر حق زنان به شهر با رویکرد جدایی‌گزینی جنسیتی در پارک بانوان شهر اردبیل شاخص‌هایی را ارائه نمود که به‌عنوان عوامل موثر در سنجش جدایی‌گزینی در فضا تلقی شده و سنجش تاثیر حضور زنان در فضا را در پی داشت. براساس نتایج، در صورتی که مفاهیم منتج به مقوله‌های ارائه شده کالبدی، دسترسی، اجتماعی و فرهنگی و امنیت در طراحی مورد توجه قرار گیرند، طرح حاصل به تعادل جنسیتی دست یافته و جنسیت به عنوان عامل اجتماعی در مساله طراحی لحاظ شده و در نهایت با تناسب جنسیتی فضا، تعادل جنسیتی برقرار شده و فضا برای تمامی گروه‌های جنسیتی مطلوب خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: جدایی‌گزینی جنسیتی، حق به شهر زنان، پارک بانوان، اردبیل

مقدمه

مطالعات بی‌شمار در زمینه برنامه‌ریزی و طراحی شهری مشخص کرده که فضاهای شهری اثر بیشتری در زندگی روزانه زنان نسبت به مردان دارند. این امر از این حقیقت ناشی می‌شود که زنان دارای روابط بیشتر و نزدیک‌تری با محیط‌های شهری هستند و وقت زیادی را در خارج از خانه سپری می‌کنند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۸). از این رو، زنان به‌عنوان نیمی از استفاده‌کنندگان فضاهای شهری همانند مردان بایستی بتوانند به راحتی از فضاها استفاده کرده و احساس آرامش داشته باشند، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که زنان به‌طور یکسان با مردان از فضای شهری بهره‌مند نمی‌شوند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۶). فنستر^۱، حق استفاده از فضای شهری را معادل حق تعلق در نظر می‌گیرد و بر این اعتقاد است که «استفاده روزمره از فضاهای شهری به ایجاد حس تعلق به شهر منجر می‌شود. ولی تسلط قدرت مردسالارانه در عرصه عمومی شهر به حس ترس و عدم امنیت زنان و در نهایت طردشدگی آنها از فضاهای عمومی به دلیل هنجارهای فرهنگی و مذهبی منجر می‌شود و فضاهای «ممنوعه‌ای» را برای زنان شکل می‌دهد که حق به شهر آنها را محدود می‌کند. ترس استفاده از فضاهای عمومی به‌ویژه خیابان، حمل‌ونقل عمومی و پارک‌های شهری را می‌توان به عنوان یک موضوع اجتماعی و فضایی دانست که در بسیاری موارد، در ارتباط با طراحی فضاهای شهری است (قیومی، ۱۳۹۷: ۵۹). زنان نیز از منظری دیگر، درون ساختار شهری تکه‌تکه و دچار روزمرگی شده‌اند و آنها هم در «موقعیت‌های ظالمانه‌ای» قرار دارند (گیدنز^۲، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۶) که انتخاب شیوه زندگی دلخواه برایشان به‌شدت دشوار می‌شود. بنابراین لازم است که تفاوت میان ساکنان شهر از جمله تفاوت‌های جنسیتی آنها را از نظر دور نداشت (دودانگه، ۱۳۹۷: ۸۵).

شهر، هم در موجودیت فیزیکی و هم در موجودیت اجتماعی تعلق کمتری به زنان دارد و کمتر مناسب مشارکت زنان در فراگردهای جاری آن است. این مسئله به کاهش تحرک زنان در شهر، انحصار فضاها به مردان، نادیده گرفته شدن جسم زنانه در طراحی شهری انجامیده که سبب عدم بهره‌مندی زنان از شهر به اندازه مردان شده است (رهبری، ۱۳۹۳: ۴۰). آنچه اخیراً با توجه به گسترش شهرها و اهمیت مطالعه زندگی شهری مورد توجه بیشتری قرار گرفته، نابرابری‌های جنسیتی موجود در عرصه استفاده از فضاهای عمومی شهر است. در فضای شهری جای کمتری برای زندگی روزمره زنان نسبت به مردان در نظر گرفته شده است، بیشتر جوامع از جمله جامعه ایران، زنان به خصوص زمانی که تنها باشند، نمی‌توانند از فضاهای عمومی شهر مانند پارک‌ها و خیابان‌ها به راحتی استفاده کنند، چراکه تصور می‌شود آنان به قلمروی فضای خصوصی تعلق دارند. همین مسئله باعث شده است که احساس تعلق به شهر نیز در زنان کمتر باشد، زیرا بدیهی است که احساس تعلق از استفاده و مصرف فضا حاصل می‌شود (رهبری و

¹. Fenster

². Giddens

شارع پور، ۱۳۹۳: ۱۱۷). «فضای جنسیتی» برای محققان علاقه‌مند به جنسیت که در حوزه مطالعات شهری، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری قلم می‌زنند مفهومی کلیدی است. اهمیت این کلیدواژه دوچندان می‌شود اگر به یاد بیاوریم تا دو سه دهه پیش جنسیت موضوعی به کلی مغفول مانده در مطالعات شهری بود. نخستین توجه‌ها به وضعیت زنان در شهر از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ از سوی برنامه‌ریزان و جغرافی‌دانان فمینیست مطرح شد (اسدی محل چالی، ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۴۰). از زمان پیدایش شهرها، فضاهای شهری ماهیتی جنسیتی داشته‌اند، بدین معنا که عملاً فضاهای شهری در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت کرده و موجب طرد فضایی آنان می‌شده‌اند (به نقل از اباذری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۷؛ باندروز، ۲۰۰۴). بدین ترتیب، زنان نه تنها از بهره‌مندی از فضاهای عمومی شهر محروم بوده‌اند، بلکه به دنبال آن از سهم شدن در فرایند مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی نیز حذف شده‌اند.

در دهه اخیر، در ایران، برنامه‌هایی با محوریت ایجاد فضاهای زنانه برای رضایت‌مندی زنان در کلان‌شهرها اجرا شده است. با ایجاد فضاهایی مانند پارک‌های بانوان باهدف ایجاد فضاهای زنانه شهری سعی شده طردشدگی فضایی زنان با تأکید بر حفظ امنیت آنان حذف شود (شریعت‌پناهی، ۱۳۹۷: ۱۰۶). جنسیتی شدن یک فضا زمانی به‌عنوان مشکل مطرح می‌شود که بنا به دلایلی یکی از دو جنس (زن/مرد) مجبور به ترک یک فضای عمومی شده و از حق بهره‌مندی از آن فضا محروم شوند، درحالی که امکان بهره‌مندی مطلوب از فضاهای شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندی محسوب می‌شود. امروزه با تبدیل جوامع سنتی به جوامع مدرن حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی پررنگ تر شده است. با وجود این، فضاهای عمومی متناسب با این افزایش حضور آنان طراحی نمی‌شود (کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۹) و زنان به‌طور مکرر در بهره‌برداری از فضاها و اماکن عمومی محدودیت‌ها و ناسازگاری‌هایی را تجربه می‌کنند. انتظارات فرهنگی حاکم بر جامعه در رابطه با زنان و همچنین خصوصیات زنانگی آنان را به سوی هنجارپذیری و سازش با محیط سوق می‌دهد؛ بنابراین آن‌ها مجبور به تغییر دادن خود به نفع محیط می‌شوند و یا از حضور در چنین فضاهایی صرف‌نظر می‌کنند (قاضی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳).

ایجاد فضای جنسیتی یعنی «حوزه‌های مجزا» (عمومی و خصوصی) یکی از روش‌هایی است که برای پاسخ به نیازهای استفاده‌کننده از فضای باز عمومی پیشنهاد شده است. به‌خصوص در کشورهایمانند ایران که مسئله حجاب مطرح است بیشتر بر این موضوع تأکید می‌شود. موضوع مورد مطالعه پارک بانوان به عنوان رویکردی نو در دهه اخیر همواره با دیدگاه‌های مختلفی مواجه بوده است. به منظور برخورداری از فضای مناسب با هدف بهره‌گیری آزادانه از امکانات تفریحی و ورزشی تاکنون مطرح و تا مرحله احداث پارک بانوان نیز پیش رفته است (قاضی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲). بسیاری از محققان احداث و توسعه فضاهای مخصوص زنان را به دلیل ایجاد بستری مناسب برای گذران اوقات فراغت و محیط‌هایی سرزنده و فعال در افزایش حضور انتخابی زنان در فضاهای شهری و

برقراری تعاملات آنان مؤثر می‌دانند و آن را راهکاری عملی برای دستیابی به عدالت جنسیتی در کشورهای اسلامی تلقی می‌کنند (نقدی، ۱۳۹۳: ۴۶۸). عده‌ای دیگر از محققان معتقدند؛ اگرچه موجب سهولت بهره‌برداری از فضا برای زنان می‌شود و این گونه پارک‌ها تسهیلات خاصی برای گذران اوقات فراغت در اختیار زنان می‌گذارند، لیکن برخی از نیازهای اجتماعی و خانوادگی آن‌ها را تأمین نمی‌کنند (تمدن، ۱۳۹۵: ۱۸۷) و حق به شهر زنان تأمین نمی‌شود.

از میان عوامل متعدد، دو عامل کلیدی و اصلی، در حوزه حقوق شهری و مشارکت شهروندی زنان که از تحقق حق زنان به شهر جلوگیری می‌کنند، یکی احساس ناامنی و ترس جنسیتی و دیگری، هنجارهای فرهنگی و جنسیتی است (کشتکار و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). از آنجاکه زنان به‌عنوان یک شهروند حق حضور، مشارکت و لذت از زندگی مدنی در شهر دارند، لازم است تمامی موانع حضور و مشارکت آنها در زندگی شهری محدود شود. با توجه به مسائل بیان شده این مقاله به بررسی تاثیر حضور در فضای زنانه بر حق زنان به شهر با رویکرد جدایی‌گزینی جنسیتی در پارک بانوان شهر اردبیل که زمینه‌ساز برخی مسائل و مشکلات بوده را مورد بررسی قرار می‌دهد، به همین سبب شناسایی معیارهای مرتبط با جدایی‌گزینی جنسیت و اولویت‌بندی معیارها به اولویت مداخله مسئولان شهری و سایر نهادهای مرتبط کمک شایانی نموده و موجب جلوگیری از عوامل محدوده‌کننده حضور زنان در فضاهای عمومی خواهد شد.

پیشینه پژوهش

براساس طرح مسئله پژوهش حاضر، موضوع کلیدی مورد بحث در این پژوهش، بررسی و تحلیل جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهری است؛ که در این تحقیق سعی شده است تا جایی که مطالعات در دسترس بوده، خلاصه‌ای از اهداف و نتایج این مطالعات در دو بخش پژوهش‌های داخلی و خارجی آورده شده است.

گرمسیری‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی شهری بر مبنای دیدگاه جنسیتی (مطالعه موردی: شهر جدید عالیشهر) پرداختند. یافته‌های تحقیق با بررسی ۱۵ متغیر در ۴ شاخص اصلی عملکردی - کالبدی، انعطاف‌پذیری، اجتماعی - تعلق مکان و امنیت و احساس آرامش روحی - روانی نشان می‌دهد که تنها ۳ متغیر از نظر بانوان شهر جدید عالیشهر در فضاهای عمومی مناسب بوده و به طور کلی کیفیت فضاهای عمومی این شهر برای آنها مطلوب نمی‌باشد. همچنین تفاوت قابل ملاحظه‌ای از نظر رضایت از میزان کیفیت فضاهای عمومی شهر (رضایت بیشتر مردان) وجود دارد.

فرح‌زاد و همکاران (۱۳۹۹)، در مطالعه خود با عنوان سنجش ترجیحات حضوری زنان در عرصه‌های عمومی شهر تهران به این نتایج دست یافته‌اند که وجود عرصه‌های عمومی فعالیت تجاری بیشترین میزان تأثیر را به منظور

حضور بانوان در عرصه‌های عمومی دارند. پس از آن نیز عرصه‌های عمومی فعالیت مذهبی ورزشی، تفریحی و فرهنگی قرار دارند. همچنین فضاهای تجاری، تفریحی، ورزشی، فرهنگی و مذهبی به ترتیب از بیشترین عدالت جنسیتی از منظر حضور برخوردارند.

بیرانوندزاده و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان دهنده این امر بود که بین متغیرهای بررسی شده و احساس امنیت زنان در سطح بالای ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد و میزان بررسی امنیت زنان متغییر عدم نظارت اجتماعی بیشترین اثر را در عدم استفاده زنان از پارک بعثت دارد.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۷)، به ارزیابی عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری، با مطالعه‌ی موردی: مرکز شهر تبریز پرداختند. نتایج تحقیق نشانگر این بود که عوامل زیرساخت‌های فیزیکی، دسترسی و فرهنگی - اجتماعی به ترتیب انطباق مطلوبی با نیاز زنان ندارند، اما سطح معناداری عامل امنیت بیانگر وضعیت مطلوب این عامل از نظر پاسخگویان بود. همچنین نتایج تحقیق نشانگر این بود که با توجه به نتایج و مراجعه‌ی بالای شهروندان و گردشگران به منطقه، نیازمند توجه بالای مسئولان و نهادهای مرتبط می‌باشد.

مقدم و همکاران (۱۳۹۶)، به تحلیل نقش جنسیت در الگوی رفت و آمد شهری با مورد مطالعه شهر زنجان پرداخته - اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد، ضریب بالای مالکیت اتومبیل شخصی سبب تحرک بیشتر زنان شاغل در سطح شهر شده است. در این میان زنان دارای فرزند بیش از مردان در طول روز رانندگی می‌کنند و به منظور انجام امور روزانه وابستگی بیشتری به اتومبیل شخصی دارند؛ چرا که حمل و نقل عمومی نتوانسته پاسخگوی نیازهای جابه جایی و دسترسی سریع زنان در جامعه شهری باشد.

پوراحمد و همکاران (۱۳۹۵)، به ارزیابی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری مطالعه موردی: منطقه یک شهر اهواز پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که شاخص‌های نظارت، اجتماعی، رفتاری، کالبدی، مبلمان، محیطی و دسترسی بر احساس امنیت زنان در منطقه یک شهر اهواز تاثیر می‌گذارند. همچنین شاخص نظارت بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت زنان منطقه یک شهر اهواز دارد و بعد از آن به ترتیب شاخص کالبدی، شاخص اجتماعی، شاخص دسترسی، شاخص محیطی و شاخص رفتاری و در آخر شاخص مبلمان کمترین تأثیر را بر احساس امنیت زنان در منطقه یک شهر اهواز دارد.

ورمقانی و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی به بررسی رابطه جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که عوامل فرهنگی چون باورهای آیینی، نحوه پوشش، آموزش زنان و نفوذ عناصر فرهنگ غرب در اواخر دوره قاجار، عوامل اجتماعی شامل ساختار قدرت، طبقه اجتماعی

و هنجارهای اجتماعی، همچنین عوامل اقتصادی شامل شیوه معیشت و منطقه جغرافیایی، رابطه جنسیت و فضا را متغیر می‌سازند.

حبیبی و علی‌پور شجاعی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان نشان می‌دهد که علی‌رغم نقش منطقه‌ای بوستان بهشت مادران، این بوستان در مقیاس محلی عمل کرده و به فضایی کارکردی جهت فعالیت‌های ورزشی با آزادی پوشش، تقلیل یافته است. همچنین با محدود بودن وقت زنان در انجام فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی، تداوم استفاده از فضاهای عمومی ویژه، موجب کاهش زمان حضور زنان در دیگر فضاهای عمومی و کم‌رنگ شدن نقش و حضور آنان در شهر می‌شود.

رضازاده و محمدی (۱۳۸۸)، به بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری پرداختند. نتایج حاصل از بررسی نشان دهنده این امر بود که محدودیت‌های تاثیرگذار بر حضور زنان در فضاهای شهری دامنه وسیعی از محدودیت‌های کالبدی - اجتماعی را دربرمی‌گیرد. بنابراین رابطه میان موانع، محدودیت‌ها و شرایط و نیازهای گروه مختلف زنان مورد بررسی قرار گرفت.

کالمز و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان امروزه چه چیزی از نظر امنیت زنان در شهرها عادی به نظر می‌رسد معتقدند، ایمنی زنان در فضای عمومی بسیار پیچیده است و درک زنان از امنیت، در نحوه تعامل آن‌ها با فضای عمومی بسیار تعیین کننده است. از همین رو، تصویب قانون برابری جنسیتی در فوریه ۲۰۲۰ یک ضرورت قانونی به وجود آورده است تا براساس این گویه که جنسیت بر نیازها و تجربیات تأثیر می‌گذارد؛ سیاست‌ها، مدیریت، طراحی و تحقیقات شهری را تغییر دهند.

تاندوگان و سیمسک ایلهان^۲ (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان ترس از جرم در فضاهای عمومی از دیدگاه زنان ساکن در شهرها دریافتند که اغلب زنان هنگام رفتن به خیابان‌ها احساس ناامنی می‌کنند و آزادی حرکت کودکان خود را در شهر نیز محدود می‌کنند؛ از این رو زنان ترجیح می‌دهند در محل‌های حفاظت شده تردد کنند (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

انجمن برنامه‌ریزی آمریکا (۲۰۰۵)، در پژوهشی با عنوان برقراری امنیت از طریق طراحی؛ خلق محیطی امن در ویرجینیا بیان کرده است که با استفاده از رویکرد جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی به طور مؤثر می‌توان

^۱. Kalms et al

^۲. Tandogan & Simsek Ilhan

مانع از وقوع جرم شد و این خود باعث سرزندگی و توانایی اقتصادی در نواحی شهری می‌شود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۵).

فریندلی و فورسیث^۱ (۲۰۰۴)، در تحقیقی درباره درک زنان از ترس و طراحی محیط شهری که در گلاسکو (اسکاتلند) انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که طراحی فضاهای مناسب برای حضور مردم، احساس امنیت را تقویت می‌کند و فضاهای شهری آشنا باعث احساس امنیت بیشتری هستند.

پین^۲ (۱۹۹۷)، در تحقیقی با عنوان جغرافیای اجتماعی ترس زنان در انگلستان، چهار قلمرو اصلی در تحلیل جغرافیایی ترس را معرفی می‌کند: تحمیل محدودیت بر زنان در استفاده از فضاهای شهری، تمایز میان فضای عموم و خصوصی در احساس خطر، تفکیک فضا به مکان‌های امن و خطرناک و کنترل اجتماعی بر زنان در فضاهای شهری.

با مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با موضوع حاضر می‌توان به این امر پی برد که در سطح شهر اردبیل پژوهشی در باب جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی و کیفیت زندگی زنان در شهر اردبیل، صورت نگرفته است. همچنین به‌منظور پر کردن خلأهای پژوهشی موجود و یادآوری لزوم توجه عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهر اردبیل در راستای مدیریت مطلوب مساله کنونی، این پژوهش با هدف کمک به بهبود مسئله موجود در سال‌های آتی صورت گرفته است. بررسی پیشنهادیه تحقیق نشان می‌دهد که در زمینه جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی در شهر اردبیل اصلاً تحقیقی به این منوال انجام نشده است. از این رو، تحقیق حاضر به بررسی تحلیل جدایی‌گزینی جنسیتی در فضای عمومی و کیفیت زندگی زنان در شهر اردبیل پرداخته است.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

حق به شهر

مفهوم حق به شهر را اولین بار هانری لوفور در سال ۱۹۶۸ مطرح کرد که یکی از جنجالی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین مفاهیم مطرح شده از سوی اوست. حق به شهر ابزار لازم برای تغییرات و خلق شهری است که تمامی ساکنانش، شهروند محسوب می‌شوند، نه شهرنند (رفیعیان و الوندی‌پور، ۱۳۹۴، ۲۶-۲۷). لوفور حق به شهر را درخواستی برای دسترسی تحول یافته به زندگی شهری می‌داند (رهبری و شارع‌پور، ۱۳۹۳: ۱۱۹). او با طرح مفهوم حق به شهر رویکردی نو و رادیکال به شهر مطرح کرد و ساختارهای اجتماعی و سیاسی قرن بیستم را به چالش کشید

1 . Friendly & Forsyth

2 . pin

(میچل^۱، ۲۰۰۳: ۱۹). لوفور دو مولفه را در حق شهری می‌شناسد: حق اختصاص دادن شهر به خود و حق مشارکت (فنستر^۲، ۲۰۰۵: ۵۰). حق به شهر حقی بشری است که شامل تخصیص شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معناست که هر انسانی صرف نظر از جنسیت، ملیت، قومیت و ویژگی‌های فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است.

حق به شهر مستلزم تعریف حق دستیابی، نه تنها به آنچه در حال حاضر وجود دارد، بلکه به بازتولید شهری با تصاویر متفاوت و تعریف خوانش‌های نو از شهر می‌پردازد (دیکک و گیلبرت^۳، ۲۰۰۷: ۷۰). هاروی مفهوم حق به شهر لوفور را اینگونه توضیح می‌دهد: «این حق بیش از آنکه فردی باشد اشتراکی است؛ چرا که این تغییرات نیازمند یک قدرت جمعی برای باز شکل‌دهی به فرایندهای شهری است» (هاروی^۴، ۲۰۰۸: ۲۳).

از نظر اخلاقی حق به شهر تعریف حقوق جدیدی نیست، بلکه در حقیقت با توجه به زبان حقوق و مسئولیت‌ها در جامعه، تلاش می‌کند به تشریح نقش و حق همیشگی مشارکت شهروندان در شکل‌دهی به زندگی روزمره شهری بپردازد (همان: ۳۱). این رویکرد یکی از حقوق اولیه شهروندان است که باید آنان را توانمند کند تا نه تنها در تصمیم‌گیری‌ها در شهر دخیل یابند، بلکه بتوانند آزاده شهر خود را به خود اختصاص دهد و از آن استفاده کنند (شارع‌پور و رهبری، ۱۳۹۴: ۱۹۰). مفهوم حق به شهر الگویی رادیکال به‌شمار می‌آید که به دنبال تغییرات مفهومی در بستر شهروندی شهرهای امروزی است. فلسفه اساسی این مفهوم توانا کردن همه ساکنان شهر در برخورداری از تمامی فرصت‌های زندگی شهری است (رفیعیان و الوندی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۸). حق به شهر معنایی فراتر از تقسیم عادلانه شهر موجود یا حق برابر نسبت به آن دارد. حق به شهر، خلق شهری متفاوت است. در نقل قول هاروی از رابرت پارک حق به شهر، خلق شهر دلخواه است. فراخوان برای اجرای حق به شهر، چشم انداز جهانی بهتر را به شعاری سیاسی، مفید و عملی تبدیل می‌کند؛ همان چشم‌اندازی است که فراتر از باز توزیع منابع موجود می‌رود و حق تحقق ارزش‌های دیگر را که به زندگی انسان ارزش زندگی کردن می‌بخشد مطالبه می‌کند (جودی گلر، ۱۳۹۷: ۷).

1. Mitchell

2. Fenster

3. Dikec & Gilbert

4. Harvey

حق به شهر و جنسیت

لوفور جنسیت را عاملی تاثیرگذار در حق به شهر نمی‌داند، اما اشاره می‌کند چیزی که درباره فضا در دوران کنونی اهمیت دارد، این است که نوعی اداراک پدرسالارانه از نقش‌ها و روابط قدرت در فضا وجود دارد (رهبر به نقل از ایتکن^۱، ۲۰۰۱: ۱۰۰). وی همچنین در نظر داشتن تفاوت‌ها را در فضای شهری حقی می‌داند که حق به شهر را کامل می‌کند (دیکک^۲، ۲۰۰۱). دوسرتو یکی از مشهورترین اندیشمندان است که به نظریه حق به شهر لوفور توجه کرده و در تکمیل آن یاری رسانده است. او در ارتباط با حق به شهر مقالاتی نگاشته و به لزوم اضافه کردن مفهوم جنسیت به مباحث پیرامون حق شهروندی اشاره کرده است (دسرتو^۳، ۱۹۸۴). ماسی نیز به حقوق شهروندی و فضاهای عمومی توجه کرده و به این نتیجه رسیده است که در بیشتر فرهنگ‌ها، زنان به‌ویژه زمانی که تنها باشند، نمی‌توانند از فضاهای شهر، مانند پارک‌ها و خیابان‌ها استفاده کنند (ماسی^۴، ۱۹۹۴).

یکی از تلاش‌های اخیر برای پیوند نظری مفهوم جنسیت و حق به شهر را فنستر بیان کرده است (فنستر^۵، ۲۰۰۵: ۴۱). به اعتقاد وی، تعریف لوفور با مفهوم قدرت و کنترل که ارتباطی اساسی با هویت و جنسیت دارد، مربوط نیست؛ بنابراین تعریف او نوع روابط قدرت (قومیت، ملی و فرهنگی)، همچنین روابط قدرت جنسیتی را که حق استفاده از مکان و حق مشارکت در زندگی شهری تاثیر می‌گذارد به چالش نمی‌کشد (همان: ۲۱۹). فنستر از دیدگاه فمینیستی به حق به شهر می‌نگرد و معتقد است فضای عمومی از سوی شهروندان همواره به‌عنوان فضای تاخت‌وتاز مردان سفیدپوست طبقه متوسط به بالا برداشت شده و این مسئله مانع بهره‌مندی سایر گروه‌های بدون قدرت از جمله زنان از حق به شهر شده است (همان: ۴۱). توجه به جنسیت در فضاهای عمومی به این مفهوم است که باید ساختارهایی گسترش یابد که عدالت میان زنان و مردان را با پذیرش تفاوت‌های آنان و با ایجاد فرصت‌های برابر برقرار کند (قرائی، ۱۳۹۱: ۳۴). مولفه جنسیت مهم‌ترین مولفه‌ای است که حضور گروه‌های مختلف را در فضا رقم می‌زند. بدین شکل که برخی افراد به واسطه جنسیت از فضای عمومی طرد، و برخی دیگر در فضا جذب می‌شوند. ویلیام وایت پس از بررسی‌های فراوان، یکی از شاخص‌های موفقیت فضاهای عمومی را نسبت بالای زنان به مردان می‌داند. چنانچه تعداد زنان در فضایی زیادتر باشد، نشان‌دهنده فضایی خوب با مدیریت عالی است که همه آن را می‌پسندند. زنان بیشتر از مردان در مورد فضاهای عمومی اهمیت قائل هستند، در برابر موارد آزاردهنده محیطی حساس‌ترند و زمان بیشتری را صرف انتخاب مکان می‌کنند؛ بنابراین اگر شمار زنان در فضایی کم باشد بدین

1 . Aitken

2 . Dikec

3 . De Certeau

4 . Massey

5 . Fenster

معناست که احتمالاً مشکلی وجود دارد (وایت^۱، ۱۹۸۰: ۱۸)؛ از این رو بنظر می‌رسد در برداشت ارزیابانه زنان از فضاهای شهری و چگونگی احساس آنها درباره این فضاها بتوان حق به شهر را مفهومی برای ترجیحات محیطی زنان و استفاده آنان از فضا و مشارکت در فضاهای شهری دانست (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸).

جدایی‌گزینی جنسیتی

بطور تاریخی، در قلمرو اندیشه و حوزه نظر، نسبت به حقوق و تکالیف زن و مرد در همه فرهنگ‌ها برخورد آرا جریان داشته و جنسیت، یکی از عوامل مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده چگونگی تعادل در این زمینه بوده است. جنسیت، یکی از ویژگی‌های اساسی سازماندهی هر جامعه است، بطوریکه تمامی تفاوت‌های دیگر مانند قومیت، طبقه اجتماعی، ناتوانی و سن را در اولویت بعدی قرار می‌دهد (ریوز^۲، ۲۰۰۳: ۲). از این رو به عنوان یک عامل اجتماعی و متأثر از فرهنگ تلقی گشته و به همین دلیل در فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌های جنسیتی ثابت نبوده و در طول زمان نیز، تغییرپذیر بوده است (وودزورث^۳، ۲۰۰۵). جنسیت، خصوصیات اجتماعی مرتبط با مذکر یا مونث بودن و رابطه بین زنان و مردان و نیز روابط درون جنسی بین آنان را نیز تعریف می‌کند (داگلاس، ۲۰۰۷: ۵). تقسیم زیستی بین زن و مرد، شامل رفتارها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی فرهنگ حاکم است که در جامعه به عهده دو جنس گذاشته می‌شود. مفهوم جنسیت، انتظارات مرتبط با خصوصیات، ویژگی‌ها و رفتارهای احتمالی مردان و زنان را نیز دربرمی‌گیرد و تحلیل سلطه‌پذیری زنان را از جبر بیولوژیکی و پایدار به حوزه اجتماعی تغییرپذیر منتقل می‌کند (یونسکو^۴، ۲۰۰۳: ۱۷). بدین ترتیب نقش‌های واضحی برای زنان و مردان بر پایه جنسیت، در جامعه شکل می‌گیرد (لارسن^۵، ۲۰۰۹: ۱). بازتولید موضوع جنسیت در شهر، به مقررات معماری و جغرافیایی ساخته شده اجتماعی اطلاق می‌شود که حضور زنان را قاعده‌مند کرده و دسترسی آنان را به فضاهایی که به تولید قدرت و منفعت متصل هستند، محدود می‌کند (فادکه^۶، ۲۰۱۰). بدین ترتیب، فضاها هم از طریق عمل‌های اجتماعی و نیز همبستگی‌های نمادین، جنسی می‌شوند. چنین تمایزی، فضا را در چارچوب عملکردها، مناسبات و قوانین ویژه، سازمان داده و مرزهای اجتماعی را مشخص می‌نماید (تانکیس، ۱۳۹۰: ۱۵۱). مفاهیم نظری در حوزه مطالعات زنان، عموماً درون مایه خود را از ایده تفکیک حوزه‌ها به عنوان بستر تاریخی محدودیت‌های زنان در استفاده از فضای عمومی می‌گیرند. این بستر، فضاهای خصوصی، پرهیزکاری و تقوا را برای زنان و فضاهای عمومی و فعالیت

-
- 1 . Whyte
 - 2 . Reeves
 - 3 . Woodsworth, 2005
 - 4 . UNESCO
 - 5 . Larsen
 - 6 . Phadke

را برای مردان می‌دند (دی^۱، ۲۰۰۰: ۳). در بررسی جداسازی جنسیتی فضاهای عمومی و کیفیت زندگی زنان دو رویکرد کلی وجود دارد. طرفداران جداسازی جنسیتی فضاهای عمومی دلیل اصلی و کلیدی جداسازی جنسیتی اماکن عمومی را برقراری عدالت فضایی با تأمین امنیت و ایمنی زنان می‌دانند که نه تنها بر کیفیت زندگی زنان و آسایش و آرامش روانی آنان اثر می‌گذارد، بلکه موجب تقویت حضور فعال آنها در عرصه اجتماع می‌شود. برخی دیگر بر این باورند که زنان و مردان به دلیل داشتن ویژگی‌های فیزیکی و روانی متفاوت نیازهای متفاوتی نیز دارند، و زنان به دلیل محدودیت‌های جسمانی و مسائل ایدئولوژیکی مثل حجاب در کشورهای اسلامی از حضور در برابر مردان در فضاهای عمومی ناتوان‌اند. بنابراین، اقداماتی از این دست را می‌توان در جهت ایجاد عدالت جنسیتی دانست. اما مخالفان جداسازی جنسیتی بر بازتولید نابرابری جنسیتی، تسری نقش دوم و شهروندی منفعل زنان تأکید دارند و معتقدند آورده این جداسازی که مبتنی بر تأمین امنیت زنان است بسیار کمتر از ضرری است که این جداسازی به زنان وارد می‌کند (محبوبی، ۱۳۹۷: ۶۱-۶۰).

محدوده مورد مطالعه

شهر اردبیل یکی از کلانشهرهای ایران است و با جمعیتی بالغ بر ۵۳۱۴۵۴ نفر مرکزیت اداری - سیاسی استان اردبیل محسوب می‌شود. که حدود ۲۶۱۰۱۳ نفر این جمعیت را بانوان شهر اردبیل تشکیل می‌دهد. براساس مصوبات طرح جامع شهر اردبیل به ۵ منطقه شهرداری و ۵۱ ناحیه شهری تقسیم شده است که تعداد ۸۱ پارک در مقیاس‌های همسایگی، محلی، ناحیه‌ای و شهری در سطح شهر توزیع یافته‌اند. این در حالی است که شهرداری اردبیل، اولین پارک اختصاصی بانوان خود را در سال ۱۳۹۰ با پیگیری مستمر برخی از زنان مسئول در شهرداری و استانداری اردبیل به بهره‌برداری رساند. شایان ذکر است پارک بانوان در اردبیل با منابع محدود به طور قابل توجهی از وسعت اندکی برخوردار است. در حالیکه شعاع عملکردی مورد انتظار از این پارک‌ها، بسیار وسیعتر است. پارک بانوان باید عملکردی منطقه‌ای باشند و مساحت آن نباید کمتر از شش هکتار باشد؛ اما پارک بانوان محدوده مورد مطالعه مساحتی کمتر از ۶ هکتار دارد و این مانع ارائه خدمات مناسب این پارک به کاربران آن می‌شود. با توجه به حجم ۵۰ درصدی بانوان، عدم توجه به خواسته‌ها و نیازها و حضور آنها در شهر موجب نادیده گرفتن سلامت فیزیکی و روانی و کاهش سرزندگی و شادابی و در نهایت سبب جدایی‌گزینی جنسیتی آنها می‌شود. در این پژوهش پارک نسترن شهر اردبیل که تنها پارک بانوان این شهر است مورد ارزیابی قرار گرفته است. پارک بانوان در منطقه دو شهر اردبیل، مابین خیابان‌های یسری و نسترن دو واقع شده است.

1. Day

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای انجام آن ابتدا مطالعات اکتشافی به صورت کتابخانه‌ای اسنادی انجام شده و سپس، بخش عمده پژوهش پیمایش بوده که از طریق تکمیل پرسشنامه انجام شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق را زنان شهر اردبیل تشکیل می‌دهند که از میان آنها به تعداد ۳۸۴ پرسشنامه با استفاده از فرمول کوکران به صورت تصادفی ساده توزیع شد. لازم به ذکر است پرسشنامه از نوع محقق ساخته بوده و برای ارزش‌گذاری سوالات از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (۱ = خیلی کم، ۲ = کم، ۳ = متوسط، ۴ = زیاد، ۵ = خیلی زیاد) استفاده شد. در این راستا ۴ شاخص: کالبدی، دسترسی، اجتماعی و فرهنگی و امنیت در قالب ۲۵ گویه به کار گرفته شد. روایی محتوای سوال‌های پرسشنامه توسط اساتید و کارشناسان امر مورد تأیید قرار گرفته و برای محاسبه پایایی سوالات نیز ابتدا با پیش‌آزمونی، پرسشنامه بر روی نمونه‌ای به حجم ۳۰ نفر اجرا گردید و سپس پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید و ضریب کلی ۰/۸۳۰ به دست آمد که نشان از سطح بالای پایایی پرسشنامه می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS22 و روش‌های آماری همچون آزمون کلموگروف اسمیرنوف، آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شده است. جدول ۱ شاخص‌ها و گویه‌های به کار رفته در این پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های مورد مطالعه جهت تحلیل جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر اردبیل

معیارها	زیرمعیارها
کالبدی	احساس مشکل در پیاده‌روها برای رفت و آمد، ارتفاع آبخورهای شهری برای استفاده زنان، مناسب بودن پل‌های هوایی عابر پیاده موجود برای زنان، نبود تجهیزات و مبلمان شهری مناسب برای زنان، طراحی نامناسب فضای عمومی، عدم وجود برخی کاربری‌های تفریحی مناسب زنان، پایین بودن جذابیت فضاها.
دسترسی	عدم دسترسی مناسب به فضاهای شهری، محدود بودن حمل و نقل عمومی، در دسترس نبودن ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی، عدم دسترسی راحت به خیابان‌های اصلی، عدم دسترسی به اماکن انتظامی و امنیتی.
اجتماعی و فرهنگی	محدودیت‌های زنان برای شرکت در جشنواره‌ها و مراسم‌ها، میزان مشارکت زنان در مدیریت شهری، نگرش مردم و جامعه، بی‌توجهی به حقوق دیگران از طرف دیگر شهروندان، متلک‌ها و حرف‌های زشت از عابران.
امنیت	ترس از حضور در محیط، ایجاد مزاحمت در فضاهای عمومی، عدم وجود نور و روشنایی کافی در فضاهای عمومی، وجود خیابان‌های سرزنده، ساختار فضای شهری مانند سادگی فضا و نداشتن پیچ و خم‌های زیاد در کوچه و خیابان، نظارت اجتماعی و حس نوع دوستی مردم بر فضا، حفاظت و نظارت فیزیکی، تاریکی هوا و امنیت تردد در شهر برای زنان.

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۴۰۱

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش یافته‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفته است. در یافته‌های توصیفی توزیع فراوانی، درصد و درصد تجمعی فراوانی‌های متغیزهای مستقل و وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش استنباطی نیز از روش‌های آماری آزمون T تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شده است.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که تمام پاسخگویان زن هستند که تعداد آنها ۳۸۴ نفر برآورد شده است. و از این میان ۶۹/۵ درصد پاسخگویان متأهل و ۳۰/۴ درصد مجرد هستند. بیشترین تعداد پاسخگویان دارای تحصیلات در سطح لیسانس بوده‌اند (۵۱/۳ درصد) و افراد در سطح فوق لیسانس و دکتری پایین‌ترین درصد را با ۹/۸ درصد به خود اختصاص داده‌اند. همچنین از لحاظ وضعیت اشتغال بیشترین درصد را زنان خانه‌دار با ۴۵/۳ درصد و پایین‌ترین درصد را زنان شاغل با ۲۳/۶ درصد را بخود اختصاص داده‌اند. متغیرهای توصیفی تحقیق در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
وضعیت تاهل	مجرد	۲۶۷	۶۹/۵
	متاهل	۱۱۷	۳۰/۴
شغل	محصل	۱۱۹	۳۰/۹
	خانه‌دار	۱۷۴	۴۵/۳
	شاغل	۹۱	۲۳/۶
	زیردیپلم	۷۸	۲۰/۳
تحصیلات	دیپلم	۴۶	۱۱/۹
	فوق دیپلم	۲۸	۷/۲
	لیسانس	۱۹۷	۵۱/۳
	فوق لیسانس و دکتری	۳۸	۹/۸

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه: ۱۴۰۰

یافته‌های استنباطی

در تحلیل‌های آمار استنباطی همواره نظر بر این است که نتایج حاصل از مطالعه گروه کوچکی به نام نمونه چگونه به گروه بزرگتری به نام جامعه تعمیم داده شود. یعنی براساس رفتار و وضعیت گروه نمونه، رفتار جامعه آماری تبیین می‌شود. در این راستا برای بررسی و تحلیل جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر اردبیل از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. در این آزمون با توجه به اینکه برای بررسی جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر اردبیل، از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده و رتبه‌های ۱ تا ۵ به پاسخ‌های اختصاص داده شده، امتیاز ۱ نشان‌دهنده کمترین میزان جدایی‌گزینی و امتیاز ۵ نشان‌دهنده بیشترین میزان جدایی‌گزینی است. به این ترتیب عدد ۳ به‌عنوان میانگین نظری پاسخ‌ها در نظر گرفته شده و میانگین جدایی‌گزینی به دست آمده (میانگین تجربی) با عدد ۳ مقایسه می‌شود.

آزمون T تک نمونه‌ای جزو آزمون‌های ناپارامتریک است. قبل از گرفتن آزمون لازم است که نرمال بودن توزیع داده‌های مربوطه مورد بررسی قرار گیرد. جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از چندین روش می‌توان استفاده نمود. که مهم‌ترین این روش‌ها، آزمون کلموگروف اسمیرنوف است. در این راستا اگر نتایج بدست آمده از آزمون معنی‌دار نباشد (بزرگتر از ۰/۵ درصد) یعنی توزیع نرمال است.

جدول ۳. آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها

آزمون کولموگروف اسمیرنوف			نرمال بودن
آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	
۰/۹۸۱	۳۸۳	۰/۴۲۹	کالبدی
۱/۲۴	۳۸۳	۰/۸۹۰	دسترسی
۰/۲۴۳	۳۸۳	۰/۰۶۱	اجتماعی و فرهنگی
۰/۴۵۸	۳۸۳	۰/۱۲۷	امنیت

مأخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه: ۱۴۰۰

نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف نشان می‌دهد که زمینه برای آزمون‌های پارامتریک (همچون آزمون‌های T، f) فراهم است، چراکه آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها برای معیارهای جدایی‌گزینی جنسیتی معنی‌دار نیست، یعنی داده‌های مربوط به معیارهای جدایی‌گزینی جنسیتی دارای توزیع نرمالی هستند (جدول ۳). با توجه به اینکه، داده‌ها

براساس آزمون کلموگروف اسمیرنوف، از توزیع نرمال برخوردارند، از این رو، در این پژوهش، برای سنجش جدایی‌گزینی جنسیتی از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون آزمون T تک نمونه‌ای در جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر

میانگین	انحراف معیار	t مقدار آماره	سطح معنی داری	زیرمعیار	معیار
۲/۶۶	۱/۳۸	-۱/۷۲۴	۰/۰۹۱	احساس مشکل در پیاده‌روها برای رفت و آمد	کالبدی
۲/۶۴	۱/۳۶	-۱/۹۱۹	۰/۰۶۰	ارتفاع آبخورهای شهری برای استفاده زنان	
۳/۷۱	۱/۲۱	۴/۲۹۶	۰/۰۰۰	مناسب نبودن پل‌های هوایی عابر پیاده موجود برای زنان	
۲/۳۷	۱/۲۳	-۳/۶۳۶	۰/۰۰۱	نبود تجهیزات و مبلمان شهری مناسب برای زنان	
۲/۸۲	۱/۶۰	-۰/۷۸۳	۰/۴۳۷	طراحی نامناسب فضای عمومی	
۳/۱۱	۱/۳۸	۰/۶۰۹	۰/۵۴۶	عدم وجود برخی کاربری‌های تفریحی مناسب	
۳/۳۱	۱/۲۴	۱/۸۰۶	۰/۰۷۷	پایین بودن جذابیت فضاها	
۲/۶۹	۰/۷۸	۰/۳۴۲	۰/۷۳۴	میانگین کلی معیار کالبدی	
۲/۷۳	۱/۴۹	-۱/۲۹۷	۰/۲۰۰	عدم دسترسی مناسب به فضاهای شهری	دسترسی
۴/۲۵	۱/۱۳	۷/۹۳۹	۰/۰۰۰	محدود بودن حمل و نقل عمومی	
۴/۳۵	۰/۶۸	۴/۰۴۹	۰/۰۰۰	در دسترس نبودن ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی	
۳/۷۵	۱/۱۴	۴/۸۵۹	۰/۰۰۰	عدم دسترسی راحت به خیابان‌های اصلی	
۴/۲۸	۱/۱۶	۸/۰۰۷	۰/۰۰۰	عدم دسترسی به اماکن انتظامی و امنیتی	
۳/۷۷	۰/۷۲	۷/۸۵۳	۰/۰۰۰	میانگین کلی معیار دسترسی	
۴/۰۵۶	۰/۹۸۸	۷/۷۸۰	۰/۰۰۰	محدودیت‌های زنان برای شرکت در جشنواره‌ها و مراسم‌ها	اجتماعی و فرهنگی
۳/۹۸۰	۱/۱۲۲	۶/۲۳۸	۰/۰۰۰	میزان مشارکت زنان در مدیریت شهری	
۴/۱۷۳	۰/۹۸۴	۸/۵۹۱	۰/۰۰۰	نگرش مردم و جامعه	
۳/۸۴۹	۰/۹۲۸	۶/۶۶۰	۰/۰۰۰	بی توجهی به حقوق دیگران از طرف دیگر شهروندان	
۳/۹۴۲	۰/۸۹۴	۷/۵۹۵	۰/۰۰۰	متلک‌ها و حرف‌های زشت از عابران	
۴/۰۵۲	۰/۷۰۳	۱۰/۷۱۴	۰/۰۰۰	میانگین کلی معیار اجتماعی و فرهنگی	
۳/۲۴۵	۱/۱۲۴	۱/۵۸۷	۰/۱۱۹	ترس از حضور در محیط	امنیت
۲/۹۲۴	۱/۱۴۷	-۰/۴۶۸	۰/۶۴۲	ایجاد مزاحمت در فضاهای عمومی	
۲/۷۶۴	۱/۰۸۷	-۱/۵۴۵	۰/۱۲۹	عدم وجود نور و روشنایی کافی در فضاهای عمومی	

۲/۱۰۲	۱/۲۱۱	-۵/۱۸۷	۰/۰۰۰	عدم وجود خیابان های سرزنده
۳/۱۳۲	۰/۹۶۱	۱/۰۰۰	۰/۳۲۲	ساختار فضای شهری مانند نداشتن پیچ و خم های زیاد در کوچه و خیابان
۳/۰۵۷	۱/۰۷۴	۰/۳۷۸	۰/۷۰۰	نظارت اجتماعی و حس نوع دوستی مردم بر فضا
۳/۳۶۵	۰/۸۸۶	۲/۹۷۳	۰/۰۰۴	حفاظت و نظارت فیزیکی
۳/۳۳۹	۳/۳۳۹	۲/۱۹۷	۰/۰۳۳	تاریکی هوا و امنیت تردد در شهر برای زنان
۳/۰۶۱	۳/۰۶۱	۰/۷۰۹	۰/۴۸۱	میانگین کلی معیار امنیت

ماخذ: یافته های مستخرج از پرسشنامه: ۱۴۰۰

در خصوص معنی داری آزمون برای معیارها هم می توان عنوان کرد تنها معیارهای کالبدی با sig برابر با ۰/۷۳۴ و معیار امنیت با sig برابر با ۰/۰۰۴، تفاوت معنی داری را نشان نمی دهند؛ چون میانگین های بدست آمده (میانگین تجربی) نزدیک به میانگین نظری ۳ است و (اختلاف میانگین اندک، مقدار آماره t کمتر از ۱/۹۶ مثبت یا منفی، معنی داری دو دامنه ای بزرگتر از ۰/۰۲۵ و شامل بودن صفر در بین دو کران بالا و پایین)، ولی مابقی معیارها در سطح ۹۵ معناداری می باشند یعنی بین میانگین نظری با میانگین های بدست آمده آنها (میانگین تجربی) تفاوت معناداری وجود دارد. حال اگر از ۴ معیار مذکور هم دوباره میانگین گرفته شود. میانگین کلی جدایی گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر اردبیل برابر با ۰/۳۰۳ خواهد بود این رقم نشان از جدایی گزینی جنسیتی نامطلوب در فضاهای عمومی است. این مطالب را آزمون t در سطح معناداری ۹۵ درصد تایید می کند. یعنی بین میانگین نظری (۳) با میانگین های بدست آمده (میانگین جدایی گزینی جنسیتی ۰/۳۰۳) تفاوت معناداری وجود دارد. چرا که اولاً اختلاف میانگین نسبتاً بالایی وجود دارد دوماً مقدار آماره بدست آمده بزرگتر از مقدار آماره t استاندارد است، سوماً مقدار sig یا معنی داری بدست آمده برای آزمون t تک نمونه ای که آزمون دو دامنه است کمتر از ۰/۰۲۵ است.

براساس یافته های پژوهش، در فضاهای عمومی شهر اردبیل بی توجهی به جنسیت در فرایند طراحی فضای شهری منجر به محدود شدن اختصاص فضا، استفاده کامل زنان و در نتیجه حق به شهر زنان شده است. به اعتقاد فنستر، حق زنان به شهر به دلیل ساختار مردسالارانه در فضاهای عمومی سرکوب می شود و فرصت بروز نمی یابد. همچنین قرار نگرفتن زنان شهر اردبیل در جایگاه تصمیم گیری و سیاست گذاری های شهری سبب بهره مندی بیشتر مردان از حق به شهر و در نتیجه تعلق بیشتر آنان به شهر و سبب جدایی گزینی جنسیتی در سطح شهر و ایجاد پارک بانوان شده است. همچنین دسترسی آزاد و همگانی به فضای عمومی شهر پیش نیاز حق مشارکت شهروندان است؛ از این رو اختصاص دادن فضا به شهروندان بر مبنای حق استفاده ساکنان شهر از همه فضاهای شهر به منظور برخورداری از احتیاجات زندگی، مترادف شکل گیری احساس تعلق به آن فضا است؛ بگونه ای که دسترسی حضور و استفاده برابر و مستمر را برای همه ساکنان شهر تضمین می کند (Purcell: 2003: 578)؛ بنابراین علاوه بر

حضور زنان در عرصه فضاهای خصوصی و فضای خانه، باید در عرصه‌های عمومی نیز حقوق و مطالبات آنان مدنظر قرار گیرد و شرایطی فراهم شود که در آن هر دو جنسیت احساس کنند حقوقشان در شهر رعایت می‌شود.

همچنین در راستای تعیین مهم‌ترین معیارهای جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر اردبیل از آزمون فریدمن استفاده شد. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری است که برای مقایسه معیارهای که در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری می‌شوند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این آزمون می‌تواند در مورد داده‌های پیوسته (فاصله‌ای یا نسبی) نیز به کار برده شود، اما در هنگام محاسبه این داده‌ها نیز رتبه‌بندی آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. جدول ۵ نتایج حاصل از رتبه‌بندی آزمون فریدمن را نشان می‌دهد.

جدول ۵. رتبه‌بندی جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر براساس آزمون فریدمن

میانگین رتبه‌ها				
معیارها	میانگین	سطح معناداری	حداقل	حداکثر
کالبدی	۲/۳۲۴	۱/۱۵۱	۱	۵
دسترسی	۱/۱۵۲	۰/۴۸۲	۱	۵
اجتماعی و فرهنگی	۳/۵۵۴	۱/۱۷۱	۱	۵
امنیت	۲/۸۷۸	۱/۲۵۲	۱	۵

ماخذ: یافته‌های مستخرج از پرسشنامه: ۱۴۰۰

با رتبه‌بندی معیارها می‌توان به این نتیجه رسید که وضعیت معیارها به چه شکلی است. کدام دسته از معیارها از وضعیت مناسبی برخوردارند و کدام دسته از آنها در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند و لازم است برنامه‌های لازم در راستای رتبه‌بندی معیارها فراهم شود. همانطور که در جدول ۵ ملاحظه می‌گردد طبق نتایج حاصله از آزمون فریدمن در یک نتیجه‌گیری کلی بیشترین معیار تاثیر گذار بر جدایی‌گزینی جنسیتی به معیار اجتماعی فرهنگی (۳/۵۵۴) اختصاص دارد. کمترین معیار تاثیر گذار بر جدایی‌گزینی جنسیتی به مربوط معیار دسترسی (۱/۱۵۲) می‌باشد. معیارهای امنیت و کالبدی به ترتیب با میانگین (۲/۸۷۸) و (۲/۳۲۴) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. لازم به ذکر است، براساس مشاهدات میدانی و یافته‌های پژوهش بیشترین معیار تاثیرگذار بر جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر اردبیل مربوط به معیار اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. معیارهای اجتماعی و فرهنگی عامل مهمی است که به موجب این حضور حاصل شده است به نحوی دیگر می‌توان گفت عوامل اجتماعی و فرهنگی موجب اجتماع‌پذیری و حضور بیشتر شهروندان در فضا می‌شود. با کمرنگ شدن معیارهای اجتماعی و فرهنگی

فضاهای عمومی در سطح شهرها، فضاها رنگ و بوی فضایی خاموش به خود می‌گیرند و به مرور زمان مولفه‌های دیگر موفقیت در فضا را نیز از دست می‌دهند و به فضایی صرفاً جهت عبور تبدیل می‌شوند، به عبارتی جداسازی جنسیتی در فضاهای شهری اتفاق می‌افتد

بحث و نتیجه‌گیری

فضاهای عمومی به فضاهایی اطلاق می‌شود که برای عموم به صورت رایگان قابل دسترس بوده و مکانی برای تعاملات اجتماعی، برخوردهای چهره‌به‌چهره و روابط اجتماعی غریبه‌ها است. هرگونه تلاش برای حفظ و تقویت فضاهای عمومی شهری نظیر خیابان، میدان، پارک و نظایر آن نوعی تلاش برای تقویت حق به شهر محسوب می‌شود. انسان‌ها از طریق دسترسی به فضاهای عمومی شهری می‌توانند حق به شهر خود را متجلی سازند. بنابراین حضور زنان در این فضاها یکی از ملزومات بوده تا حدی که در بسیاری از پژوهش‌ها میزان موفقیت یک فضای عمومی به میزان زنان استفاده‌کننده از آن فضا وابسته است. ترس و عدم احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری یکی از مهمترین عوامل محدودکننده حضور زنان در این فضاها هستند. باید توجه داشت که زنان به عنوان نیمی از جمعیت گروه مهمی به شمار می‌آیند که تا به امروز به طور جدی به نیازها و خواسته‌های آن‌ها در حوزه‌های گوناگون پرداخته نشده است. پارک‌های بانوان که برای زنان طراحی شده‌اند باید بتوانند نیازهای آنان را که از یک فضای عمومی انتظار دارند، برآورده کند. بدین ترتیب باید اذعان داشت، زنان گروه اجتماعی هستند که با وجود آنکه بخش عظیمی از جمعیت جوامع را به خود اختصاص می‌دهند، نیازهای اجتماعی‌شان و برقراری تعامل منطقی و متعارف با دیگران نادیده انگاشته شده است.

از تعاریف مرتبط با حق به شهر، تعریف لوفور بیشتر از بقیه با ماهیت پژوهش هماهنگ است. لوفور فضای شهری را حق جمعی می‌داند که در آن سایر حقوق اجتماعی تحقق می‌یابد. او شهر را بازتاب کثرت‌گرایی و نیازهای ساکنان می‌داند و معتقد است دسترسی همگانی و آزاد به فضای شهر (عرصه عمومی شهر) پیش‌نیاز حق شهری است. علاوه بر آن، عوامل مختلفی مانع تحقق حق به شهر برای زنان می‌باشد که عبارتند از: کالبدی، ترس، هنجارهای فرهنگی و مذهبی و نداشتن حق انتخاب و قدرت تصمیم‌گیری. حق به شهر به شدت توسط روابط قدرت نقض می‌شود. روابط قدرت پدرسالاری، مانعی برای حضور زنان در شهر بوده و هست.

هدف پژوهش حاضر تاثیر حضور در فضای زنانه بر حق زنان به شهر با رویکرد جدایی‌گزینی جنسیتی در شهر است، که در دو مرحله اساسی به کار گرفته شده است: مرحله نخست برای بدست آوردن وضعیت جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. مرحله دوم جهت حصول به یک رتبه‌بندی از وضعیت جدایی‌گزینی جنسیت، از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای

نشان داد که جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی از سوی زنان در سطحی نامطلوب ارزیابی شده به طوری که زنان از بعد (اجتماعی و فرهنگی، امنیت، کالبدی و دسترسی) ناراضی بوده‌اند. همچنین نتایج آزمون فریدمن حاکی از آن است که معیار اجتماعی و فرهنگی به لحاظ جدایی‌گزینی جنسیتی در رتبه اول قرار دارد و معیار امنیت به لحاظ جدایی‌گزینی جنسیتی در رتبه آخر قرار دارد. بنابراین اغلب معیارهای جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر و کیفیت زندگی زنان در سطح نامطلوب ارزیابی شده است. یافته‌های این پژوهش از یک سو با پژوهش رحیمی و همکاران (۱۳۹۷) و خادم‌الحسینی (۱۳۹۲) هم‌سو است که معتقدند که وجود ناعدالتی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر در سه عامل کالبدی، دسترسی و فرهنگی - اجتماعی می‌باشد. همچنین از نتایج تحقیق استنباط می‌شود که در زمینه‌ی زیرساخت‌های فیزیکی، دسترسی و اجتماعی - فرهنگی فضاهای عمومی شهری متناسب با نیازهای زنان نمی‌باشد. نتایج پژوهش حاضر نیز مصداق این امر را در مورد جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر اردبیل نشان می‌دهد؛ فضاهای عمومی چه به دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی و یا مسأله امنیت موجب جدایی‌گزینی جنسیتی در شهر شده است و همین خود یکی از محدودیت‌های جدی برای فعالیت اجتماعی و حضور آنها در فضاهای شهری از جمله فضاهای عمومی است.

از دیگر سو با نتایج پژوهش چراغی (۱۳۹۷) و فولادی سپهر (۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد که آسیب‌پذیری از حضور در فضاهای شهری را ناشی از عوامل مختلف همچون نبود شبکه‌های دسترسی متناسب با نیاز زنان با توجه به فعالیت چند بعدی و روزمره آنان، طراحی شهری و عوامل کالبدی می‌داند را تأیید می‌کند. بدین معنی که از نظر زنان، برخی فضاهای شهری به دلیل برخورداری یا عدم برخورداری از معیارهای مناسب شهری، می‌توانند در زمره مکان‌های امن یا خطرناک قرار گیرند و این مسأله سبب جدایی‌گزینی جنسیتی در فضاهای عمومی شهر شده و کیفیت زندگی زنان را در شهر تحت تأثیر قرار می‌دهد و به حذف آنان از فضاهای شهری منجر می‌شود. آنچه از مرور نظری در این مقاله برمی‌آید این است که ایده «حق به شهر» باید درباره‌ی زندگی شهری زنانه بازتعریف شود، زیرا به رغم تأکید بر حق همه ساکنان، تفاوت‌های میان آنها از جمله تفاوت‌های جنسیتی را نادیده گرفته است. همچنین جداسازی جنسیتی فضاهای شهری را نمی‌توان در همه حال یک حق انتخاب برای زنان در نظر گرفت، چراکه صرف حضور این فضاها در خدمت بازتولید طبقه جنسیتی است که سال‌هاست طرفداران حقوق زنان برای رفع آن تلاش کرده‌اند و راه‌حل رسیدن به برابری جنسیتی را در ایجاد فضاهای امن شهری، آموزش و فرهنگ‌سازی جنسیتی دانسته‌اند. لازم به ذکر است توجه به حق به شهر در ایران برای مقابله با کژکارکردی شهر ضرورتی تام دارد و با توجه به اهمیت در حال ظهور آن در گفتمان‌های مدنی، دانشگاهی و تخصصی درباره‌ی شهر لازم است دقایق فلسفی آن بررسی شود. در پایان به منظور فراهم کردن شرایط و فرصت مناسب برای دسترسی برابر همه افراد جامعه به فضاهای عمومی پیشنهادات ذیل می‌تواند راهگشا باشد.

پیشنهادات

مدنظر قرار دادن تمام اقشار شهر و گروه‌های جنسیتی در ایجاد فضای عمومی توسط تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان به‌کارگیری فناوری‌های نظیر دوربین مدار بسته جهت کاهش اقدام به جرم و افزایش احساس امنیت فضای عمومی به خصوص در پارک بانوان.

تقویت نظارت عمومی در محدوده فضاهای عمومی، به‌ویژه حضور فعال و مستمر نیروی انتظامی در فضاها.

ایجاد کیوسک‌های نگهداری به‌ویژه در بخش‌هایی از پارک که در معرض دید افراد قرار ندارند

آموزش‌های شهروندی مناسب در زمینه حضور و استفاده از فضاهای عمومی و چگونگی کاهش خطرات

از بین بردن کنج‌ها و فضای بلااستفاده در فضاهای عمومی شهری

برنامه‌ریزی فیزیکی و کالبدی در قالب تأمین میزان روشنایی فضای پارک به ویژه در شب و ایجاد تابلوهای مسیریابی در

داخل پارک برای افزایش خوانایی آن؛

منابع

ابادری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ حمیدی، نفسیه. (۱۳۸۷). احساس ناامنی در تجربه زنان از زندگی روزمره. زن در توسعه و سیاست، ۶(۱)، ۱۰۳-۷۵.

اسدی‌محللی چالی، مسعود. (۱۳۹۵). فضاهای جنسیتی و تجربه شهر. تهران: نشر آرمانشهر.

بیات، ناصر؛ پورغلامی، محمدرضا؛ اصلانلو، علی؛ کیاکلاویه، فاطمه. (۱۳۹۷). ترس از جرم در فضاهای عمومی شهری: مورد مطالعه: جامعه زنان منطقه ۱۲ شهرداری تهران. دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۶(۱).

بیرانوندزاده، مریم؛ ابدالی، یعقوب؛ مومنی چلکی، مهتاب. (۱۳۹۸). بررسی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری (مطالعه موردی: پارک بعثت منطقه ۱۶ شهرداری تهران)، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱۲، شماره ۱، ۳۰۸-۳۲۱.

- پوراحمد، احمد؛ آروین، محمود؛ رحیم‌پور، نگار. (۱۳۹۵). ارزیابی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری مطالعه موردی: منطقه یک شهر اهواز. مطالعات شهری، ۶(۲۳)، ۵۳-۶۸.
- پورمحمدی، محمدرضا؛ روستایی، شهریور؛ خضرنژاد، پخشان. (۱۳۹۷). بررسی نقش حق به شهر بر احساس تعلق در میان گروه‌های جنسیتی (مطالعه موردی: فضاهای عمومی ارومیه). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۱۷(۱)، ۱-۱۹.
- تانکیس، فرن. (۱۳۹۰). فضا، شهر و نظریه اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری. ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- تمدن، رویا. (۱۳۸۷). زنان و فضاهای شهری. مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۲۴-۲۵ در: مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۹۵). مجموعه مقالات زنان، شهر و شهرسازی. تهران: نشر آگاه.
- جودی گل‌لر، پویا؛ زمانیان، روزبه؛ فتحی، حمید. (۱۳۹۴). ردیابی انگاشت عدالت در نظریه‌های شهر و شهرنشینی: نظریه شهری انتقادی و نظریه حق به شهر. نشریه هفت‌شهر، ۴۹ و ۵۰، ۱۰۰-۱۱۳.
- چراغی، فاطمه. (۱۳۹۷). تبیین میزان امنیت در محیط‌های شهری با تاکید بر رویکرد طراحی امنیت محور، مطالعه موردی شهر ری. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۹(۵۶)، ۲۶۷-۳۰۳.
- حبیبی، میترا؛ علی‌پورشجاعی، فرشته. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان نمونه موردی: پارک آب و آتش و بوستان بهشت مادران تهران. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۰(۱).
- خادم‌الحسینی، احمد؛ شیرخانی، حسنیه. (۱۳۹۲). بررسی محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: شهر شاهین‌شهر). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۴(۱۰)، ۱۹۲-۱۶۵.
- داگلاس، سارا. (۲۰۰۷). برابری جنسیتی و طرح‌های ارتقای عدالت: دسترسی برابر زنان به عدالت. مجموعه نشریات پایه درباره جنسیت و حکمرانی مردم سالارانه، سازمان ملل متحد.

دودانگه، زهره. (۱۳۹۷). کندوکاوی در کیفیت زندگی با تحلیل حق زنان به زندگی شهری. هفت شهر، ۶۱(۴)، ۸۴-۹۳.

رحیمی، اکبر؛ واعظی، موسی؛ محمدی، حجت؛ باکوئی، مائده. (۱۳۹۷). ارزیابی عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهری، مطالعه‌ی موردی: مرکز شهر تبریز. فصلنامه زن و جامعه، ۹(۳۵)، ۲۱۹-۲۴۴.

رفیعیان، مجتبی؛ رضازاده، راضیه؛ سیفایی، مهسا؛ احمدوند، یزدان. (۱۳۸۷). سنجش شاخص‌های موثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان). نشریه نامه معماری و شهرسازی، ۱(۱)، ۳۷.

رفیعیان، مجتبی؛ الوندی‌پور، نینا. (۱۳۹۴). مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر، در جست‌وجوی مدل مفهومی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۶(۲)، ۲۵-۴۷.

رضازاده، راضیه؛ محمدی، مریم. (۱۳۸۸). بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱(۳۸)، ۱۰۵-۱۱۴.

رهبری، لادن. (۱۳۹۳). جنسیت و شهروندی در تهران: مطالعه جامعه‌شناختی تفاوت‌های جنسیتی در حق به شهر. رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.

رهبری، لادن؛ شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۳). تفاوت‌های جنسیتی در بهره‌مندی از حق به شهر در تهران. تهران: انتشارات تیسرا.

رهبری، لادن؛ شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۳). جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱(۱۴)، ۱۱۶-۱۴۱.

فرح‌زاد، مریم؛ رفیعیان، مجتبی؛ کامیابی، سعید؛ ارغان، عباس. (۱۳۹۹). سنجش ترجیحات حضوری زنان در عرصه‌های عمومی شهر تهران. فصلنامه آمایش محیط، ۱۳(۵۱)، ۲۳-۴۲.

قرائی، فریبا. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل کیفیت محیط با تکیه بر ویژگی‌های کالبدی و زیباشناختی و تاثیر آن بر حضور زنان در فضاهای عمومی شهر. اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری.

قاضی زاده، سینا. (۱۳۹۳). تحلیل علل نیاز به تفکیک جنسیتی در فضاهای خاص شهری (نمونه موردی پارک بهشت مادران). کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.

قیومی، فاطمه. (۱۳۹۷). الزامات برنامه‌ریزی شهری عدالت‌محور بر مبنای حق به شهر زنان در فضاهای شهری موردپژوهی: محله هفت حوض واقع در منطقه هشت تهران. پایان‌نامه ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

کشتکار، وحید؛ یزدانیان، احمد؛ قدیری، سمانه. (۱۳۹۵). بررسی گفتمان حق به شهر با تاکید بر حضورپذیری زنان در فضای شهری (نمونه موردی: پارک شهر). مجموعه مقالات همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری.

کاظمی، مهروش. (۱۳۸۸). رویکردی تحلیلی به مقوله جنسیت و تاثیر آن در کیفیت فضا (نمونه موردی مطالعه: پارک فجر تبریز). نشریه هویت شهر، ۴(۳)، ۵۷-۴۷.

گرمسیری نژاد، سروش؛ خرم‌بخت، احمدعلی؛ موعظی، مرضیه. (۱۴۰۰). ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی شهری بر مبنای دیدگاه جنسیتی (مطالعه موردی: شهر جدید عالیشهر). مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۴(۵۳)، ۱۲۹-۱۴۳.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

محبوبی شریعت‌پناهی، نسیم‌السادات؛ جنگ‌زرگری، مریم. (۱۳۹۷). جداسازی جنسیتی فضاهای شهری و کیفیت زندگی زنان. هفت‌شهر، ۶۱(۴)، ۱۰۶-۱۱۶.

مقدم، شهرزاد، فنی، زهره؛ رضویان، محمدتقی. (۱۳۹۶). تحلیل نقش جنسیت در الگوی رفت و آمد شهری مطالعه موردی: شهر زنجان. فصلنامه مطالعات شهری، ۷(۲۸)، ۹۱-۱۰۰.

نقدی، اسدالله؛ دارابی، سارا. (۱۳۹۳). دسترسی زنان به فضاهای شهری. زن و فرهنگ و هنر، ۴(۶)، ۴۶۱-۴۷۰.

نوروزی، فیض‌اله؛ فولادی سپهر، سارا. (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن. فصلنامه راهبرد، ۱۸(۵۳).

ورمقانی، حسنا، سلطانزاده، حسین؛ دهیاشی شریف، مزین. (۱۳۹۳). رابطه جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار. باغ نظر، ۱۲(۳۷)، ۲۹-۴۰.

Abazari, Y., Sadeghi Fasaei, S., & Hamidi, N. (1387). Feeling insecure in the female experience of daily life. *Women in Development and Politics*, 6 (1), 75-103.

Aitken, S. (2001). *Geographies of Young People: The Morally Contested Spaces of Identity*, London and New York: Routledge.

Asadi Mahali Chali, M. (1395). *Gender spaces and the city experience*. Tehran: Armanshahr Publishing.

Bayat, N., Pourghlami, MR., Aslanlu, A., Kiaklayeh, F. (1397). Fear of dogma in urban public spaces: Case study: Women's community in District 12 of Tehran Municipality. *Bi-Quarterly Journal of Women-Family Disciplinary-Social Research*, 6 (1).

Bounds, M. (2004). *Urban Social Theory (City, Self and Society)*, New York: Oxford University Press.

Boyle, J. Dr Findlay, C. & Forsyth, L. (2004). *An Investigation into Women's Perceptions of Fear and the Design of the Urban Environment*. Open space, London, Edinburgh College of Art, School of Architecture, Tourism Management.

Cheraghi, F. (1397). Explaining the level of security in urban environments with emphasis on security-based design approach, a case study of Rey city. *Journal of Social Security Studies*, 9 (56), 303-267.

Civilization, d. (1387). Women and urban spaces. *Journal of Urban Studies*, No. 24-25 in: Mehdizadeh, Javad. (1395). *Collection of articles on women, city and urban planning*. Tehran: Agah Publishing.

Day, K. (2000). The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space, *Journal of Environmental Psychology*, 20, pp.103-124.

De Certeau, M. (1984). *The Practice of Everyday Life*, Berkeley: University of California Press.

Dikeç, M., & Gilbert, L. (2002). Right to the City: Homage or a New Societal Ethics? *Capitalism Nature Socialism*, PP. 59-74.

Dodandheh, Z. (1397). Exploring the quality of life by analyzing women's right to urban life. *Seven Cities*, 61 (4), 84-93.

Douglas, S. (2007). *Gender Equality and Justice Promotion Plans: Equal Access to Justice for Women*. Collection of basic publications on gender and democratic governance, United Nations.

Farahzad, M., Rafieian, M., Kamyabi, S., Arghan, A. (1399). Assessing the preferences of women in public arenas in Tehran. *Environmental Management Quarterly*, 13 (51), 42-23.

Fenster, T. (2005). The Right to the Gendered City: Different formations of Belonging in Everyony Life. *Journal of Gender Studies*, 14 (3), 217-231.

garmsirinejhad, S., Khorram Bakht, AA., Moeezi, M. (1400). Assessing the quality of urban public spaces based on gender perspective (Case study: Alishahr new city). *Sociological Studies*, 14 (53), 143-129.

Ghazizadeh, S. (1393). Analysis of the causes of the need for gender segregation in specific urban spaces (case study of Mothers' Paradise Park). *National Conference on Sustainable Architecture and Urban Landscape*.

Giddens, A. (1392). *Modernization: Society and personal identity in the new age*. Translated by Nasser Mofaghian, Tehran: Ney Publishing.

Habibi, M., Ali Pourshjaei, A. (1393). A comparative study of public spaces for women with urban public spaces in meeting the needs of women Case study: Water and Fire Park and Behesht Mothers Park in Tehran. *Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Planning*, 20 (1).

Harvey, D. (2008). The Right to the City, *New Left Review*, 53: PP. 23–40.

http://aup.journal.art.ac.ir/article_215_5fc34365b160bba434e7717ef74d78e6.pdf

http://ebtp.malayeriau.ac.ir/article_680299_016d57128525b63b96ad31f439ccef7d.pdf

http://jss.iaut.ac.ir/article_684526_294dc1c7755eefe93d9ff5cae2fd72ed.pdf

http://jzv.j.miau.ac.ir/article_3197_c3d2e7fd75788fd069e23565c0db4048.pdf

http://pssw.jrl.police.ir/article_19877_9e2c24036e7669c547ab7ab418e664ef.pdf

http://pssw.jrl.police.ir/article_94835_3971dc0e9dbdca82756d31ad6cfe11d1.pdf

http://sss.jrl.police.ir/article_92118_d7165ebaf85c9abd138c07be9517fa3d.pdf

http://www.haftshahrjournal.ir/article_20431_7b577c7d9730a076ceec0a2480b548f9.pdf

http://www.haftshahrjournal.ir/article_32352_6ecf2d9bf183cecbcd2f21c5880c7001.pdf

http://www.haftshahrjournal.ir/article_32354_0fc5284a536844bbacfd36d01cdc179e.pdf

http://www.jsi-isa.ir/article_21087_bbe5ec0eebaf207630dc8bd088c11944.pdf

http://www.jsi-isa.ir/article_21110_daa8cca2c9684dd04cbcb9f535aefcbd.pdf

https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_1101_e0ecc36bd3f6bc46b54a1fa98bd25613.pdf

https://jfaup.ut.ac.ir/article_22254_59e4230079f9e4170364fb404375cf9c.pdf

https://jfaup.ut.ac.ir/article_56368_2440b6d3291f3a99e8b64650a8bf6ce5.pdf

https://jurbangeo.ut.ac.ir/article_72398_f2229d6b73ee05516db1c0979793b378.pdf

https://jwdp.ut.ac.ir/article_27304_8b0f60b3e396a898f79fa0bd8d69ac67.pdf

https://jwica.ut.ac.ir/article_56020_b7c8191a85d7fb740a0d2b8a43102f44.pdf

https://urbstudies.uok.ac.ir/article_50553_359bc40519203a574a50bf96ce82bb67.pdf

https://urbstudies.uok.ac.ir/article_60896_40278c0f7dc78399eb8bbe4d27cef48b.pdf

Judy Geller, D., Zamanian, R., Fathi, H. (1394). Tracing the concept of justice in theories of the city and urbanization: critical urban theory and the theory of the right to the city. *Haftshahr Magazine*, 49 and 50, 100-113.

Kalms, N; May Johnson, G & Matthewson, G (2020). What does the 'new normal' look like for women's safety in cities? *The Conversation Academic rigour, journalistic flair*, July 15.

Kazemi, M. (1388). An Analytical Approach to Gender and Its Impact on Space Quality (Case Study: Fajr Park, Tabriz). *Journal of City Identity*, 4 (3), 57-47.

Keshtkar, V., Yazdaniyan, A., Ghadiri, S. (1395). Investigating the discourse of the right to the city with emphasis on the presence of women in the urban space (case study: city park). *Proceedings of the International Conference on Women and Urban Life*.

Khadem Al-Husseini, A., Shirkhani, H. (2013). Investigating the Limits of Women's Presence in Urban Public Spaces (Case Study: Shahinshahr). *Urban Sociological Studies*, 4 (10), 165-192.

Larson, D., & Keating, J. (2009). Assessment of insecticide-treated bednet use among children and pregnant women across 15 countries using standardized national surveys"; *Am J Trop Med Hyg*, vol 2, p 209-214.

Leadership, L. (1393). *Gender and Citizenship in Tehran: A Sociological Study of Gender Differences in Right to the City*. PhD Thesis, Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Mazandaran University.

Leadership, L., Sharipour, M. (1393). Gender and the right to the city: Lefebvre theory test in Tehran. *Iranian Journal of Sociology*, 1 (14), 141-116.

Leadership, L., Sharipour, M. (1393). *Gender differences in the enjoyment of the right to a city in Tehran*. Tehran: Tisa Publications.

Mahboubi Shariat Panahi, NS., Janghzarghari, M. (1397). Gender segregation of urban spaces and quality of life of women. *Seven-City*, 61 (4), 116-106.

Massey, D. (1994). *Space, Place and Gender*, Minneapolis: Minnesota University Press.

Mitchell, D. (2003). *The Right to the City; Social Justice and the Fight for the Public Space*, London and New York: Gilford Press.

Moghadam, Sh., Fani, Z., Razavian, MT. (1396). Analysis of the role of gender in urban transportation pattern Case study: Zanjan city. *Journal of Urban Studies*, 7 (28), 100-91.

Naghdi, A., Darabi, S. (1393). Women's access to urban spaces. *Women and Culture and Art*, 4 (6), 470-461.

Pain, R. (1997). Social Geographies if Womens Fear of Crime. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 22: 231-234. <https://www.jstor.org/stable/622311>

Phadke, S. (2010). *Gendered Usage of Public Spaces: A Case Study of Mumbai* , NCW-UNDP-CEQUIN conference on Gender based Violence in public spaces : Challenges and Solutions, Delhi, Constitution Club.

Poorahmad, A., Arvin, M., Rahimpour, N. (1395). Evaluating women's sense of security in urban spaces: A case study: District 1 of Ahvaz. *Urban Studies*, 6 (23), 68-53.

Pour Mohammadi, MR., Rural, Sh., Khehrnejad, P. (1397). Investigating the role of the right to the city on the sense of belonging among gender groups (Case study: Public spaces of Urmia). *Geography of Urban Planning Research*, 7 (1), 19-1.

Purcell, M. (2003). Citizenship and the Right to The global City: Reimagining the Capitalist World Order, *International Journal of Urban and Regional Research*, Vol. 27, No. 3, PP. 564-590.

Qarai, F. (1391). Identifying environmental quality factors based on physical and aesthetic characteristics and its impact on the presence of women in public spaces of the city. The first scientific and research conference on women and urban life.

Qayyumi, F. (1397). Requirements of justice-oriented urban planning based on the right to women city in the studied urban spaces: Haft Houz neighborhood located in Hasht district of Tehran. Master Thesis, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University.

Rafieian, M., Alvandipur, N. (1394). Conceptualizing the idea of the right to the city, in search of a conceptual model. *Iranian Journal of Sociology*, 16 (2), 47-25.

Rafieian, M., Rezazadeh, R., Sifai, M., Ahmadvand, Y. (1387). Assessing the indicators affecting the desirability of urban public spaces from the perspective of specific social groups (women). *Journal of Architecture and Urban Planning*, 1 (1), 37.

Rahimi, A., Waezi, M., Mohammadi, H., Baku, M. (1397). Evaluation of Gender Justice in Urban Public Spaces, Case Study: Tabriz City Center. *Women and Society Quarterly*, 9 (35), 244-219.

Reeves, D. (2003). *Gender Equality and Plan Making: The Gender Mainstreaming Toolkit*, RTPI Gender Mainstreaming Toolkit, Executive Summary.

Rezazadeh, R., Mohammadi, M. (1388). Investigating the factors limiting the presence of women in urban spaces. *Journal of Fine Arts - Architecture and Urbanism*, 1 (38), 114-105.

Sadeghi, A., Pourgholami Sarvandani, MR. (1399). An analysis of environmental elements affecting women's sense of security in the studied urban spaces: Rey city. *Bi-Quarterly Journal of Women-Family Disciplinary Research*, 8 (2), 449-425.

Tankis, F. (1390). *Space, city and social theory: social relations and urban forms*. Translated by Hamid Reza Parsi and Arezoo Platoni, University of Tehran Press, Tehran.

UNESCO (2003). *UNESCO s Gender Mainstreaming Implementation Framework (GMIF) for 2002-2007*, UNESCO, Women and Gender Equality Section, Paris.

Whyte, W. H. (1980). *The Social Life of Small Urban Spaces* Conservation Foundation, Washington D.C. Yuval Davis, N., 2012, *The Politics of Belonging*, London: SAGE.

Woodsworth, E. (2005). *Making Space for Women in Cities*, Sparrc BC , No 52, pp10-13.